

مسعود اخوان کاظمی*

سارا ویسی**

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۱۰

چکیده

به‌رغم تلاش بنیان‌گذاران ترکیه برای برقراری لائسیسم و حدود یک قرن اقدامات اسلام‌ستیزانه در این کشور، اکنون بار دیگر شاهد چالش جدی میان اسلام و سکولاریسم در این سرزمین هستیم. در همین راستا جناح‌های مختلف درگیر در این چالش، به‌منظور جلب حمایت و پشتیبانی زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت ترکیه، خود را ملزم به مطرح کردن مساله حجاب و موضع‌گیری در برابر آن می‌دانند. در حقیقت زنان بخش قابل توجهی از برنامه‌ها و سیاست‌های مبارزان دو طیف مختلف اسلام‌گرا و سکولار در ترکیه را تشکیل می‌دهند. انتظار می‌رود با به قدرت رسیدن دوباره حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه و تعقیب سیاست‌های موافق اسلام از یک‌سو و تعدیل فضای سکولار حاکم بر جامعه از سوی دیگر، شاهد اوج‌گیری روند اسلام‌گرایی و به تبع، حضور بیشتر زنان محجبه در صحنه جامعه و سیاست ترکیه باشیم.

کلیدواژه‌ها: اسلام‌گرایی، احزاب، ترکیه، زنان، سکولاریسم

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه

** کارشناسی ارشد علوم سیاسی

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۳۶ – ۱۱۵.

مقدمه

سکولاریسم در معنای اصیل خود، طی مبارزات طولانی میان پادشاهان و کلیسا در مغرب‌زمین متولد شد. در واقع، این مفهوم هنگامی پا به عرصه ظهور گذاشت که پادشاهان در اروپا توانستند اقتدار دولتی را از اقتدار دینی تفکیک کرده، دست کشیشان را از دخالت در امور دنیوی و حکومت کوتاه کنند و نفوذ و قدرت آنان را به امور اخروی و دینی محدود سازند. با این حال در حالی که سکولاریسم اصیل، وجود خدا و عالم آخرت را نفی نمی‌کند و تنها حکومت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی را از دین و تشکیلات دینی جدا می‌سازد، سکولاریسم در ترکیه به این حد اکتفا نکرده و با دین در جوهره و مظاهر آن به دشمنی و مخالفت پرداخته است. بدین‌سان، دیری نپایید که ترکیه، کشوری که تا قبل از این، قطب اصلی خلافت دینی و اسلامی در جهان به شمار می‌رفت و به بیان امام خمینی (ره) «سیطره‌اش از غرب تا شرق را گرفته بود»،^۱ نوعی «لایسیزم افراطی» را به‌عنوان ایدئولوژی دولتی تجربه کرد. این امر در نهایت به صورت بحران هویت یا دوگانگی فرهنگی در بین مردم و جامعه این کشور بروز کرد و در این میان، زنان به‌عنوان بخشی از پروژه‌های غرب‌گرایانه بنیان‌گذاران جمهوری سکولار ترکیه، بیش از همه دچار سرگشتگی و دوگانگی شخصیتی و هویتی شده‌اند. در واقع، راهی که این بنیان‌گذاران در پیش گرفتند، نه تنها نتوانست راه‌حلی نهایی برای جامعه و حکومت در این کشور باشد، بلکه این سرزمین را تا به امروز عرصه کشاکش و نبرد نیروهای مختلف سکولار، مسلمان، ملی‌گرا و غیره ساخته است.

اکنون و به‌رغم گذشت نزدیک به یک قرن حاکمیت لایسیسته در ترکیه، احیا و شکوفایی مجدد اسلام در این کشور به‌ویژه در دو دهه اخیر، شتاب فزاینده‌ای به خود گرفته است. این موفقیت‌ها را بیش از هر چیز باید مدیون احزاب دینی و مسلمانی دانست که با مبارزات مستمر خود، توانسته‌اند بستر مناسبی را برای رشد و پیشرفت اسلام در این سرزمین مهیا سازند. در همین راستا و اکنون که بار دیگر شاهد حضور دوگانه و تقابل اسلام و سکولاریسم در این کشور هستیم، در تلاشیم به سوال اصلی مقاله حاضر مبنی بر اینکه زنان در جریان تقابل میان اسلام و سکولاریسم در ترکیه، چه جایگاهی در برنامه‌ها و سیاست‌های جناح‌های مختلف اسلام‌گرا و سکولار دارند، پاسخ گوییم. فرضیه مطروح در پاسخ آن است که جناح‌های مختلف و رقیب

اسلام‌گرا و سکولار، هر کدام با استفاده از مساله حجاب و اتخاذ مواضع موافق و مخالف با آن، درصدد جلب حمایت زنان هستند. بدین‌سان، زنان همواره در برنامه‌ها و سیاست‌های جناح‌های مختلف درگیر، جایگاه محوری دارند. همچنین پرسش‌های دیگری که نوشتار حاضر در پی پاسخگویی بدان‌هاست عبارتند از: زنان در برنامه‌های حزبی و به‌ویژه احزاب مذهبی و مسلمان، چه جایگاهی دارند؟ واکنش آنان در قبال رویارویی‌های اخیر میان ایدئولوژی‌های اسلامی و سکولار چیست؟ شیوه‌ها و الگوهای عمل و مبارزه زنان مسلمان و سکولار علیه ایدئولوژی جناح مقابل کدام است؟ و عاقبت حضور و تقابل اسلام و سکولاریسم در ترکیه به کجا خواهد انجامید؟ هدف این مقاله، شناخت جایگاه زنان در سیاست‌ها و برنامه‌های جناح‌های مختلف مسلمان و سکولار در جمهوری ترکیه و موضع آنان در شرایطی است که یکبار دیگر اسلام و سکولاریسم به رویارویی و چالش با هم پرداخته‌اند. نوشتار حاضر، تنها پیش‌زمینه‌ای برای مطالعات و پژوهش‌های بعدی در این زمینه است و با نگرشی توصیفی و تحلیلی تلاش می‌کند که راه را برای تحقیقات گسترده‌تر در این زمینه هموارتر سازد.

زنان ترکیه و پروژه مدرنیزاسیون

مصطفی کمال پاشا، معروف به آتاتورک، با الغای رسمی نهاد خلافت، جمهوری ترکیه را در ۱۹۲۳ میلادی بنا نهاد. مدرنیزاسیونی که او خیال تحققش در ترکیه را در سر داشت، جز استقبال کامل و پذیرش همه ابعاد فرهنگی که اروپای مدرن را ساخته بود، مفهوم دیگری نداشت.^۲ این امر بدان معنا بود که مفاهیم غربی و جدیدی همچون فردگرایی و لیبرالیسم اجتماعی، توسط دولت، جایگزین سنت‌های کهنی مانند نُرْم‌ها و قوانین مذهبی در سیاست خواهد شد.^۳ آتاتورک و پیروان غرب‌گرای او که دین را عامل اصلی عقب‌ماندگی ترکیه و سکولاریسم را دلیل پیشرفت غرب می‌پنداشتند، به‌شدت به مبارزه با دین و مظاهر آن در جامعه ترکیه برخاستند. از آنجایی که زنان بخشی از این پروژه بودند و نیز به‌منظور اعلام یک گسست آشکار از امپراتوری عثمانی، شعار «برابری جنسیتی» توسط آنان سر داده شد؛ چرا که به باور آتاتورک و پیروانش، اسلام از زنان می‌خواهد که همواره مطیع و تسلیم باشند. آتاتورک در سال ۱۹۲۵ در بیانیه‌ای گفت: «بگذارید زنان با چشمان

خود، دنیا را ببینند و دنیا نیز صورت‌های آنان را ببینند»^۴ وی همچنین در سخنرانی‌های متعدد اعلام می‌کرد: «زنان ترک به آزادی دست خواهند یافت و از شرایط تحصیلی و فرصت‌های برابر برای کسب مناصبی که تا پیش از این خاص مردان بوده، بهره‌مند خواهند شد»^۵ در واقع مطابق این دیدگاه، آزادی و قدرت زنان تنها در نتیجه مشارکتشان در عرصه عمومی حاصل می‌گردد.

با این حال و به‌رغم سیاست‌های «لیبرالیزه کردن»، رژیم جمهوری مایل نبود عرصه را برای ظهور و فعالیت سازمان‌های مستقل زنان باز کند. چنانچه کاندیوتی به‌درستی اشاره می‌کند: «زنان در جمهوری ترکیه رها هستند، اما آزاد نیستند؛ زیرا که نمی‌توانند برای تغییر وضعیت خود، به فعالیت‌های سیاسی روی آورند.»^۶

در واقع، اگرچه جمهوری ترکیه، به‌طور قابل توجهی حقوق زنان را (برابری در فرصت‌های آموزشی و تحصیلی، حقوق برابر برای ازدواج، طلاق، ارث و مالکیت) توسعه داد، اما این پیشرفت‌ها به‌طور عمده نتیجه سکولاریزه کردن گسترده قوانین، به‌ویژه پذیرش قوانین مدنی سوییس در ۱۹۲۶ بود. همچنین با ورود مفهوم شهروند، اگرچه زنان حقوق سیاسی و مدنی نسبتاً برابری با مردان را کسب کردند و حتی در ۱۹۳۴ به حق رای نیز دست یافتند، این برابری، صرفاً امری ظاهری و تشریفاتی بود و قانون اساسی، خود، به صورتی ضمنی و یا صریح، تبعیضات علیه زنان را رسمیت می‌بخشید.^۷ از سوی دیگر، اگرچه زنان ترک، زودتر از زنان در بسیاری از دیگر کشورها (غربی و مسلمان) به عرصه عمومی، حکومت و پارلمان راه یافتند، این اصلاحات کاملاً تحت فرمان و نیت خاص مردان نخبه (و نه از موضع فمینیسم اصیل و جنبش مستقل زنان) طراحی شده بود و بنابراین جایگاه زنان در سیاست، در حاشیه و به‌طور نمادین باقی ماند.^۸

همچنین باید توجه داشت که این اصلاحات، به‌طور عمده منافع زنان نخبه‌ای را که از پیشینه‌های ممتاز خانوادگی برخوردار بوده و دارای تحصیلات عالی بودند، در نظر داشت. این زنان شامل اساتید، پزشکان، وکلا، مدیران مدارس، مسئولان موسسات تجاری و اندک افرادی که در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشتند، می‌شدند. در واقع، موقعیت ممتاز این زنان پیرو آتاتورک، اغلب این تصویر غلط را که کشور از برابری جنسیتی برخوردار است، القاء می‌کرد و این در حالی بود که زنان مومن و محجبه، همواره از این جایگاه و موقعیت بی‌بهره بودند.^۹

ورود تدریجی اسلام‌گرایان به عرصه حکومت

ظهور و قدرت‌یابی شگرف مسلمانان در جامعه و در سازمان سیاسی به‌عنوان بخشی از تحولات گسترده‌ای که در دهه اخیر در ترکیه رخ داده است، توجه ناظران و تحلیلگران بین‌المللی و به‌ویژه محققان مسلمان را به خود جلب کرده‌است.

افضلی، چهار علت را در رشد اسلام‌گرایی در ترکیه ذکر می‌کند که عبارت است از: ۱. رشد حرکت‌های دینی در خاورمیانه و به‌ویژه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران؛ ۲. گذار از استبداد تک‌حزبی به دموکراسی چندحزبی؛ ۳. اقتصاد مبتنی بر بازار؛ و ۴. گسترش شهرنشینی و تاثیر آن بر ظهور گروه‌ها و نهادهای اسلامی.^{۱۰} در همین رابطه موثقی بر این باور است که با افزایش روند غرب‌گرایی در دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰، شکاف میان غنی و فقیر و نیز بین مناطق شهری و روستایی عمیق شد که در نتیجه پس از دهه ۱۹۵۰، میراث کمالیسم به‌شدت زیر سوال رفت و بدین ترتیب، بحران‌های متعدد (از جمله بحران هویت، توزیع و مشروعیت) در ابعاد مختلف رخ نمود که در نهایت، به ظهور جنبش‌های «سنت‌گرا»، «بنیادگرا» و حتی «نوگرا» انجامید.^{۱۱}

با این حال، مهم‌ترین نقش در رشد اسلام‌گرایی نوین ترکیه بر عهده احزاب دینی و اسلامی بوده است. در سال ۱۹۵۰، نظام سیاسی این کشور عملاً از حالت تک‌حزبی خارج شد و حزب تازه تاسیس دموکرات به رهبری عدنان مندرس در انتخابات مجلس، توانست شکست سختی را به حزب جمهوری‌خواه خلق وارد کند و به مدت ده سال سمت نخست‌وزیری ترکیه را در دست گیرد. می‌توان گفت که دهه ۱۹۵۰ دهه اقتدار حزب دموکرات بود که موضع نزدیک‌تر و منعطف‌تری نسبت به اسلام در جامعه داشت.^{۱۲} مندرس گرچه اسلم‌گرا نبود، اما مشی لیبرال و سیاست‌های تسامح‌گرایانه او نسبت به دین باعث شد روند دین‌ستیزی در ترکیه تعدیل شود و بدین ترتیب، او زمینه‌های پیشرفت و شکوفایی اسلام را در سایه آزادی بیشتر فراهم آورد. در همین زمان بود که مدارس امام خطیب در ۱۹۵۰ گشایش یافت، مساجد احیا گشتند، شمار مدارس و وعظ زیاد شد و جایگاه دانشمندان دینی آشکارتر گردید.^{۱۳}

این تغییر و تحولات از چشم ارتش - حامی ثابت‌قدم و وفادار آتاتورک و دولت سکولار- مخفی نماند. طی کودتایی در ۱۹۶۰، با ادعای لزوم دفاع از آرمان‌های آتاتورک، ارتش اولین

کودتای خود را علیه رهبران غیرنظامی انجام داد و بدین‌سان مندرس و دو تن از رهبران حزب دموکرات به جرم خیانت به وطن اعدام شدند. پس از اعدام وی، اسلام‌گرایان به این نتیجه رسیدند که پیشبرد افکار و اجرای سیاست‌های مورد نظرشان مستلزم تشکیل‌سازی در قالب فعالیت‌های حزبی است. از این‌رو حزب «نظم ملی» توسط «نجم‌الدین اربکان» تأسیس شد و با انحلال آن توسط ارتش، وی در ۱۹۷۲ بلافاصله به تشکیل حزبی به نام «سعادت ملی» دست زد. این حزب نیز سرانجام در ۱۹۸۰ منحل اعلام شد. لیکن اربکان بیکار ننشست و حزب دیگری را به نام «رفاه» در ۱۹۸۳ و با همکاری رجب طیب اردوغان تأسیس کرد.^{۱۴}

با نگاهی به کارنامه احزاب اسلام‌گرا، حزب رفاه را می‌توان موفق‌ترین این احزاب به‌شمار آورد؛ چرا که این حزب برای اولین‌بار در تاریخ جدید ترکیه به‌عنوان یک حزب مسلمان توانست به قدرت دست یابد و گام‌های بلندی را در مسیر احیای شعائر دینی و احقاق حقوق مردم مسلمان بردارد، به طوری که به جرات می‌توان دهه ۱۹۹۰ را «دهه حزب رفاه و اربکان» در ترکیه نامید. این حزب در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۱، با به‌دست آوردن اکثریت کرسی‌ها در پارلمان و کسب منصب نخست‌وزیری، توانست به بزرگ‌ترین حزب کشور تبدیل شود.^{۱۵} حزب رفاه بعد از به دست گرفتن قدرت اجرایی و طی انتخابات شهرداری‌ها در ۱۹۹۴، در چندین شهر بزرگ توانست افق جدیدی از رشد اسلام سیاسی در ترکیه را به‌وجود آورد. همچنین در زمینه سیاست خارجی، اربکان اولین سفر خارجی خود را در آگوست ۱۹۹۶ به جمهوری اسلامی ایران اختصاص داد و با این اقدام، گرایش سیاست خارجی خویش را به طرف کشورهای اسلامی ابراز داشت. در این سفر، توافقات وسیعی میان دو کشور به‌عمل آمد که از مهم‌ترین آنها، قرارداد ۲۳ میلیارد دلاری انتقال گاز از ایران به ترکیه بود که درست یک هفته بعد از تصویب «قانون داماتو»^(۱) در کنگره آمریکا به امضا رسید.^{۱۶} اربکان علاوه بر مهار تورم و حل برخی مشکلات داخلی، در عرصه خارجی نیز توانست با ابتکار عمل جایگاه این کشور را در سطح جهان توسعه بخشد و با رایزنی‌های متعدد، «سازمان اقتصادی

۱. قانون داماتو در سال ۱۹۹۶ برای تحریم ایران به تصویب رسید. این قانون توسط آلفونسو داماتو، سناتور ایتالیایی الاصل کنگره آمریکا و از جمهوری خواهان محافظه کار به کنگره آمریکا ارایه شد. قانون داماتو هر پنج سال یک بار بازبینی می‌شود. به موجب این طرح، هر شرکت یا دولتی که بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کند، دچار مجازات اقتصادی آمریکا خواهد شد.

دی - ۸» که هشت کشور بزرگ اسلامی اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه را در بر می‌گرفت، تاسیس و اولین اجلاس آن را در استانبول برگزار نماید.^{۱۷} کسب این موفقیت‌ها موجب احساس خطر از جانب ارتش گردید، چنان‌که طی کودتایی نظامی، اربکان برکنار و حزب او منحل اعلام گردید.

در سال ۲۰۰۰، اربکان و اردوغان یکبار دیگر توانستند با کمک هم حزب فضیلت را تاسیس کنند. از جمله موفقیت‌های حزب فضیلت، پیروزی یک بانوی محبّه از حزب فضیلت با نام «مروه کاواکچی» در انتخابات پارلمانی بود. ورود جسورانه وی با پوشش اسلامی به مجلس، برای اولین بار از زمان تاسیس جمهوری، موج تازه‌ای را در جامعه علیه نظام لاییک ایجاد کرد. وی به هنگام آیین سوگند مجلس،^(۱) با مخالفت احزاب لاییک، به‌ویژه چپ‌گرایان روبه‌رو شد و به نشانه اعتراض صحن مجلس را ترک کرد. نظام لاییک او را به بهانه داشتن تابعیت مضاعف آمریکا، از تابعیت ترکیه خلع کرد و دادستان برای او تقاضای حکم اعدام نمود.

اردوغان و عبدالله گل در سال ۲۰۰۱ حزب جدید «عدالت و توسعه» را تاسیس کردند. این حزب با پیروزی در انتخابات سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و سپس ۲۰۱۱ توانست حکومتی اسلام‌گرا را به قدرت برساند؛ حکومتی که در آن سمت رییس‌جمهوری نصیب عبدالله گل شد و پست نخست‌وزیری به اردوغان رسید. از جمله بزرگ‌ترین موفقیت‌های این حزب، تلاش و موفقیت آن در لغو قانون ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های دولتی در ۲۰۰۸ است. این موفقیت چشمگیر که در سایه ائتلاف با احزاب ملی‌گرا به‌دست آمد، دریای متلاطمی از اظهارنظرهای موافق و مخالف را برانگیخت. با در نظر داشتن حمایت‌های وسیع مردمی، ارتش در شرایط حاضر نمی‌تواند ریسک کرده و علیه حکومت اسلام‌گرا اقدامی انجام دهد؛ زیرا با اینکار از یک‌طرف، باعث خدشه‌دار شدن چهره خویش گشته و از طرف دیگر، در روند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا اخلاقی جدی ایجاد خواهد کرد؛ چرا که یکی از شروط اتحادیه اروپا برای عضویت ترکیه در آن، برگزاری انتخابات

۱. آتاتورک پس از تحکیم پایه‌های قدرتش، دین اسلام را که دین رسمی کشور بود، از قانون اساسی حذف کرد و تا آنجا پیش رفت که به‌منظور ممنوع کردن تلفظ نام خدا، واژه «به خدا قسم» را نیز از متن سوگند نمایندگان حذف نمود.

دموکراتیک است که به‌طور مسلم نمی‌تواند با دخالت ارتش در انتخابات ملت و ساقط کردن حکومتی که از محبوبیت فراوان و حمایت گسترده عامه برخوردار است، سازگار باشد.

زنان ترکیه و جایگاه آنان در برنامه‌های حزبی

بعد از ارتش و دادگاه که قدرتمندترین و با نفوذترین سازمان‌های سیاسی در ترکیه‌اند، احزاب سیاسی، مهم‌ترین و متداول‌ترین بازیگران سیاسی در این کشور می‌باشند.^{۱۸} فردریک فری با اشاره به شروع فعالیت‌ها و مشارکت‌های سیاسی احزاب از آغاز دهه ۱۹۵۰ در ترکیه، معتقد است که «سیاست در ترکیه، سیاستی حزبی است؛ زیرا درون ساختار قدرت ترکیه احزاب سیاسی همچون زنجیری، حکومت و گروه‌های برون حکومتی و مردم را به هم متصل می‌سازند».^{۱۹}

زنان در ترکیه تا سال ۱۹۳۰، به جز دو مورد خاص، هیچ جایگاهی در برنامه‌های حزبی نداشتند. این دو مورد عبارت بودند از: ۱. دسترسی محدود زنان به فرصت‌های آموزشی؛ و ۲. مراقبت‌های پیش از زایمان و مراقبت از کودکان؛ که البته این امر مربوط به زنانی می‌شد که مجبور بودند بیرون از منزل کار کنند.^{۲۰} تعهد به ایجاد و حفظ برابری جنسی در حقوق و وظایف، به‌ویژه بعد از آنکه به زنان حق رای (در جریان انتخابات شهری در ۱۹۳۰ و انتخابات ملی در ۱۹۳۴) اعطا شد، در برنامه‌های حزبی رایج گردید. با این حال باید اذعان نمود که اصطلاح «حقوق»، در اینجا صرفاً شامل حقوق شهروندی در مواردی خاص می‌شد و ایجاد برابری یا دسترسی به فرصت‌های برابر برای زنان در همه عرصه‌ها، شامل خانواده و کار، تا اواخر دهه ۱۹۹۰ مورد توجه احزاب در ترکیه واقع نشد.

به‌طور کلی، پس از آغاز هزاره سوم میلادی در همه برنامه‌های حزبی و از جمله احزاب جدیدالتاسیس، از نهاد خانواده به‌عنوان هسته مرکزی جامعه، حمایت و تجلیل به‌عمل می‌آید و حتی در مواردی برای کسانی که از امر ازدواج و تشکیل خانواده رویگردان هستند، جریمه‌های متفاوت و گاه سنگینی قائل شده‌اند.^{۲۱}

در سال‌های اخیر، اشاره به زنان و توجه به حقوق آنان در برنامه‌های حزبی به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. این گرایش به وضوح از دهه ۱۹۶۰ شروع و بعد از ۲۰۰۰ به‌شدت

افزایش پیدا کرده است. در این میان، احزاب سیاسی جناح چپ همچون جمهوری خواهان، دموکرات‌ها و ملی‌گرایان کرد، بیشتر از سایرین مایلند که در برنامه‌های خود حقوق زنان را مورد توجه قرار دهند و با اتخاذ مواضع فمینیستی، تبعیض علیه زنان در همه عرصه‌ها را یک معضل اعلام کرده و به آن حمله‌ور شوند؛^{۲۲} چنان‌که حزب جمهوری‌خواه خلق اولین تأکید بر مساله زنان را در ۱۹۳۱ با این مضامین آغاز می‌کند: «حزب ما حقوق سیاسی شهروندی را بدون هیچ تبعیضی علیه جنسیت‌ها به رسمیت می‌شناسد»؛ «حزب در نظر دارد که شرایط لازم را برای کسب حقوق سیاسی و انتخابات پارلمانی و انتخابات شهری برای زنان فراهم آورد»، «حزب متعهد می‌شود که به تاسیس و ازدیاد موسساتی که مراقبت از کودکان را پذیرا می‌شوند، بپردازد تا زنان بتوانند بیرون از منزل به فعالیت بپردازند»؛^{۲۳} از دیگر احزاب جمهوری‌خواه در ترکیه باید به حزب جمهوری‌خواه آزاد اشاره نمود که خواهر مصطفی کمال از جمله بنیان‌گذاران اولیه آن بوده است. این حزب نیز برنامه خود در خصوص توجه به مساله زنان را چنین بیان کرده است: «حزب ما از توسعه حقوق سیاسی برای زنان طرفداری خواهد کرد».^{۲۴}

همچنین، اگرچه در بیانیه‌های مختصری که حزب دموکرات در ۱۹۴۶ و ۱۹۵۱ منتشر کرد ابداً نامی از زنان برده نشده بود، «حزب صراط‌المستقیم»، یکی از اعقاب حزب دموکرات، چرخش قابل توجهی را طی سال‌های بعد به سمت مساله زنان نشان داده است. این حزب در ۱۹۹۸ اعلام نمود: «زنان باید استقلال اقتصادیشان را به دست آورند و در عرصه‌های اجتماعی وارد شوند».^{۲۵}

حزب کار مردم، که توسط ملی‌گرایان کرد تاسیس شد، نیز برنامه‌ها و اهدافی سوسیالیستی داشته‌اند و درباره جایگاه زنان موقعیت‌های دوگانه‌ای را قائل بوده‌اند؛ آنان از یک‌طرف به دنبال حفاظت از خانواده، به عنوان ستون پایه‌ای جامعه بودند و از طرف دیگر، به حقوق زنان و برابری جنسیتی در همه وجوه زندگی تعهد می‌دادند. اغلب برنامه‌های منتشر شده این حزب در دهه ۱۹۹۰، تأکیدات زیر را دربر می‌گرفت: «از خانواده که ستون اصلی جامعه است، محافظت خواهد شد، هر اقدامی برای ایجاد آرامش و رفاه در خانواده انجام خواهد گرفت، حمایت از مادر و کودک، ارتباط میان اعضای خانواده و ایجاد زمینه برای رشد آنان، از جمله برنامه‌های حمایتی ماست،

همچنین حذف همه شیوه‌های رسمی و غیررسمی تبعیض جنسیتی و نقض حقوق بشری، از اشتغالات جدی ماست. به‌منظور برابری زنان با مردان و مشارکت همه زنان در زندگی اجتماعی و سیاسی، قوانین از نو تجدید سازمان خواهند شد و همه تلاش‌ها برای حذف موانع اجتماعی و ایدئولوژیکی و رسیدن به اهداف فوق، مبذول خواهد شد و مسئولیت‌های سنگین زنان و استثمار آنان در کار، پایان خواهد یافت.^{۲۶}

حزب نظم ملی که در ۱۹۷۰ تأسیس شد و گرایش‌هایی مذهبی داشت، اعلام می‌کرد: «حزب ما معتقد است که زن و مرد هر یک وظایفی دارند که باید از آن آگاه شوند. آنان باید کودکان که والدین فردا هستند و به‌خصوص دختران که مادران و همسران آینده هستند، را با معلومات و آموزش‌های دینی، اخلاقی، روحی و جسمی آشنا کنند.»^{۲۷} با وجود این، باید تأکید نمود که برنامه‌های احزاب سعادت، رفاه، فضیلت و عدالت و توسعه، در رابطه با مساله زنان به‌تدریج کامل‌تر و سنجیده‌تر مطرح شده‌اند. آنها همه به جایگاه پایین و مشکلات زنان اعتراف می‌کنند و به عملی کردن اصل «پرداخت برابر برای کار برابر» تعهد می‌دهند. برنامه‌های حزب عدالت و توسعه، به‌ویژه یک رهیافت جامع‌تری را می‌پذیرد. فراهم کردن شرایط تحصیلی زنان، فرصت‌های کاری، امنیت اجتماعی، بهبود شرایط کاری، مشارکت در زندگی عمومی و درگیری در حزب و سیاست از جمله برنامه‌های حزب عدالت و توسعه است. این حزب همچنین وظایفی را برای جلوگیری از خشونت علیه زنان و کمک به کسانی که در شرایط نامطلوب و تحت ستم زندگی می‌کنند، متقبل می‌شود. حزب عدالت و توسعه، به‌رغم برنامه‌های مترقیانه خود، تصورات سنت‌گرایانه درباره زنان را از نظر دور نمی‌کند، چنان‌که به‌طور مکرر اعلام می‌کند که کار و اشتغال زنان در منزل، مهم‌تر و با ارزش‌تر است و نیز تأکید می‌کند که در پی ایجاد فرصت‌های آموزشی لازم برای زنان است تا در پرورش نسل‌های سالم، موفق‌تر عمل کنند.^{۲۸}

حزب اقدام ملی، یک حزب ملی‌گرای جناح راستی با گرایش‌های نظامی‌گری که بنیادهای آن را می‌توان در حزب ملی که در ۱۹۴۸ تأسیس شد ردیابی نمود، در ۱۹۹۳ برنامه خویش را بدین شکل بیان کرد: «ما به نقش خانواده در تربیت کودکانی که آیندگان کشور ما هستند، توجه داریم. ما به ازدیاد خانواده‌ها بر مبنای اصول صحیح و به‌ویژه به سلامت مادران علاقه‌مندیم و

به شدت با حملات مستقیم به خانواده و بنیاد اجتماعی آن که تحت نقاب فمینیسم انجام می‌گردد، مبارزه خواهیم کرد»^{۲۹} حزب «روستاییان ترکیه» نیز در ۱۹۵۲ برنامه‌های خود را در خصوص مساله زنان و خانواده، چنین اعلام کرد: «هدف ما فراهم آوردن آموزش و پیشرفت در همه وجوه برای زنان، به‌ویژه در راستای تسهیل وظایفشان درون خانواده است.» همچنین «حزب ملی روستاییان جمهوری خواه» در ۱۹۶۱ در این راستا اعلام کرده بود: «شکوفایی زنان ترک، به گونه‌ای که بتوانند به‌درستی وظایف و مسئولیت‌هایشان درون خانواده را درک کنند، از وظایف ماست»^{۳۰}

زنان بر سر دو راهی اسلام و سکولاریسم

هنگامی که بنیان‌گذاران جمهوری ترکیه در صدد انجام اصلاحات جنسیتی و ایجاد زمینه برای مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی برآمدند، در میان نمادهای فراوان مسلمانی، روسری را بارزترین مانع برای دستیابی به اهداف خود دیدند. تا اواسط دهه ۱۹۸۰، موضع دولت در رابطه با حجاب چندان مورد نزاع نبود، اما هنگامی که هیأت دولت طی بیانیه‌ای اعلام کرد گرچه روسری یک نوع لباس است، اما نماد یک جهان‌بینی است که با آزادی زنان و اصول بنیادین جمهوری ما در تضاد می‌باشد، به تدریج نزاع و درگیری شدت یافت. آرات در این باره اظهار نمود: «حضور زنان طی دهه ۱۹۸۰ در دانشگاه‌ها و مدارس، آن‌هم به صورت محجبه، به‌طور متقابل به عنوان مخالفتی تعبیر شد که ماشه را برای شروع مسابقه طناب‌کشی میان دولت سکولار و زنان مسلمان فشار داد.»^{۳۱}

در واقع دولت سکولار، حجاب را نماد انفعال و تحت سلطه بودن زنان می‌بیند و ملزم کردن زنان به پوشیدن آن را ناشی از سنتی پدرسالارانه تلقی می‌کند که نمی‌خواهد نقش و جایگاه زنان را به رسمیت بشناسد و بدین سان به حفظ و تداوم نا برابری‌های متداول جنسیتی کمک می‌کند.^{۳۲} مردان فمینیست نیز حجاب را نماد کشورهای شرقی و مستعمره قلمداد کرده و بر آرزوی خود، مبنی بر از میان رفتن آن، تاکید به عمل می‌آورند.^{۳۳} از سوی دیگر، اسلام‌گرایان حجاب را بیان تعهد فعالانه زنان مسلمان در درون و در متن جنبش اسلامی می‌بینند؛ از نظر آنان حجاب نماد پافشاری جمعی و عمومی زنانه است که از طریق آن به دنبال به رسمیت

شناخته شدن هویت اسلامی‌شان هستند.^{۳۴} حجاب می‌تواند به آنان موقعیت، جایگاه اجتماعی و استقلال عمل بخشیده و شیوه‌ای برای بیان تفاوت و تمایزشان از دیگران باشد.^{۳۵}

بدین ترتیب از اواخر دهه ۱۹۹۰، دولت سکولار ترکیه سعی کرد با همکاری ارتش، عرصه عمومی را از حضور زنان محجبه پاک کند. از پاییز ۱۹۹۸، فرمان ممنوعیت حجاب به شدت و با ضرب و شتم دانشجویان و دانش‌آموزان محجبه، به اجرا درآمد و در حالی که زنان مجبور بودند میان مدارج تحصیلی و حجابشان دست به انتخاب بزنند، مردان مسلمان به راحتی و بدون هیچ محدودیتی در مدارس و دانشگاه‌ها حضور می‌یافتند.^{۳۶}

با وجود این، تحولات اخیر در ترکیه، به‌ویژه اولین پیروزی انتخاباتی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، اثرات قابل توجهی بر جامعه و به‌خصوص زنان بر جای گذاشت. هنگامی که عبدالله گل به‌عنوان اولین کاندیدای مسلمان پست ریاست جمهوری ترکیه معرفی گردید، همان گونه که انتظار می‌رفت، ارتش و دادگاه دخالت کرده و اولویت لایسم در ترکیه را به او و حزبش یادآوری کردند. همچنین اپوزیسیون سکولار مخالفت خود را آشکارا به او اعلام کرد.^{۳۷} با این حال، در آوریل ۲۰۰۷ گل موفق به کسب پست ریاست جمهوری شد. او به‌خاطر میانه‌روی، مهارت در اجتناب از درگیری و ایجاد تضاد و تعهد به انجام اصلاحات دموکراتیک، تا به امروز توانسته است یک تصویر محبوب، حتی در میان مخالفانش، از خود به نمایش گذارد.

حزب عدالت و توسعه، یک حزب میانه‌رو با یک برنامه تغییر تدریجی است و در مناسبات جنسیتی، خواهان حفظ روابط سنتی میان دو جنس و به عبارتی حفظ وضع موجود بوده است. در واقع، این حزب به‌جای مسلمانان رادیکال، از زنان محافظه‌کاری (با تحصیلات عالی) که به خدا معتقد هستند، اما این اعتقاد مبنای همه وجوه زندگی آنان قرار نمی‌گیرد، محجبه نیستند و یا نماز نمی‌خوانند، برای مشارکت در حزب دعوت به عمل می‌آورد.^{۳۸} اخیراً هم اتحادیه اروپا و هم غرب، جانب حکومت اسلام‌گرا را گرفته و به حمایت از اصلاحات سیاسی آن و تلاش برای کاستن اقتدار نظامیان در حوزه سیاسی پرداخته‌اند. فشار بر ترکیه از جانب اتحادیه اروپا، مبنی بر تعجیل در دموکراتیزه شدن، به شناسایی جریانات اسلام‌گرا از جمله زنان مسلمان و محجبه، البته با احتیاط کامل منجر شده است.

در واقع با ورود ترکیه به فرایند گذار از لایبسم مستبد به سکولاریسم مداراگرا، به‌طرز شگفت‌آوری بسیاری از مقامات دولتی در شاخه‌های گوناگون آن همچون ارتش، به‌جای کنترل صرف بازیگران مسلمان، تمایلات و گرایش‌های وسیعی به سمت تساهل نسبت به اسلام از خود نشان داده‌اند. اما در حالی که شاخه‌ها و بازیگران متفاوت دولتی شروع به مدارا و مصالحه با اسلام کرده‌اند و حتی انتظار می‌رود در برابر زنان مسلمان و حجابشان انعطاف بیشتری به خرج داده و با آنان و حجابشان به توافق برسند، زنان لایبک، به‌عنوان وفادارترین گروه‌ها به آتاتورک و ایدئولوژی او، علم مبارزه با اسلام‌گرایی را برافراشته و با خودداری از پوشیدن حجاب و فعالیت علیه زنان مسلمان، به‌ویژه مخالفت با لغو قانون منع حجاب در مدارس و دانشگاه‌ها، وحشت و مخالفت خود را از گسترش و غلبه اسلام‌گرایی به نمایش گذاشته‌اند.^{۳۹}

باید توجه داشت که هم جامعه فمینیست‌های سکولار و هم جامعه فمینیست‌های مسلمان، از یکپارچگی و هماهنگی لازم برخوردار نبوده و در هر دو گروه، طیف متفاوتی از زنان با شدت و درجات متفاوت عقیدتی به چشم می‌خورد. فمینیست‌های سکولار در ترکیه، گروه نامتجانس و ناهمگنی را در بر می‌گیرند که کمابیش از نسخه‌های سکولاریسم، آزادی زنان و برابری با مردان طرفداری می‌کنند. در واقع نسل مسن‌تر زنان سکولار که خود را آتاتورکیست لایبک می‌دانند، در مقایسه با نسل جوان‌تر، در دفاع از سکولاریسم و مخالفت با دولت جدید اسلام‌گرا و زنان مسلمان از خود انعطاف و سازش کمتری نشان می‌دهند. با وجود این، اخیراً شماری از زنان رادیکال سکولار، به سمت پذیرش نسخه‌های معتدل‌تر سکولاریسم گرایش پیدا کرده‌اند. در مقابل، فمینیست‌های مسلمان نیز طیف وسیعی از زنان را شامل می‌شود. این طیف هم‌زمانی را در بر می‌گیرد که حجاب را تنها به‌خاطر سنت و یا اجبار پدران و همسرانشان می‌پوشند، و هم شامل زنانی می‌شود که از حجاب یک برداشت سیاسی دارند. همچنین این طیف هم در برگیرنده زنانی است که اعتقاد و ایمانشان مبنای تمام وجوه زندگیشان است و هم زنانی که حجاب را تنها یکی از هزاران جلوه ابراز ایمان و مسلمان بودن می‌دانند و لذا هنگام ورود به دانشگاه یا مدرسه، حجابشان را بر می‌دارند یا گلاهی می‌پوشند.^{۴۰}

لازم به ذکر است که اغلب زنان مسلمان علاقه‌ای به فعالیت‌های گروهی و سازماندهی به

سبک جنبشی که با جنبش فمینیستی سکولارها قابل مقایسه باشد، ندارند. آنان فمینیسم را افراط و تندی می‌دانند و بر این باورند که می‌توانند بدون توسل به جنگ و مبارزه، به‌وسیله منابعی همچون قدرت اراده، قدرت روحی و معنوی، ایمان و اعتقاد به خدا، مورد حفاظت قرار گرفته و احساس آزادی و استقلال کنند.^{۴۱} همچنین زنان مسلمان حامی اصلاحات سیاسی، دموکراتیزه‌سازی و عضویت در اتحادیه اروپا هستند و با سلطه ارتش بر سیاست و حکومت مخالفند. آنان اگرچه خواهان اصلاحاتی هستند که ماهیت و گرایش‌های مقتدرانه و مستبدانه دولت را تعدیل کند، اما خود، هیچ برنامه سیاسی برای براندازی یا تغییر شکل دولت به حالت اسلامی ندارند. آنان سیاست غیرچالش‌طلبان‌هایی را که به آنان کمک می‌کند بیشتر به رسمیت شناخته شوند و به تدریج بتوانند قدرت را در دست گیرند، در پیش گرفته‌اند. با توجه به اینکه اپوزیسیون لاییک نتوانسته به‌خوبی و مقتدرانه از جذب زنان مسلمان به درون حکومت جلوگیری کند، به‌نظر می‌رسد این راهبرد تا به حال کارآمد و مؤثر بوده است.

از سوی دیگر، اگرچه زنان سکولار آزادی و جایگاه خود را مدیون آتاتورک و دولتش می‌دانند و معتقدند که در نبود یک دولت سکولار قدرتمند، قربانی مردسالاری خواهند شد، برخلاف تصورات آنان، برابری و قدرت زنان مفهومی نبود که جمهوری ترکیه و شخص آتاتورک با براندازی امپراتوری عثمانی آن را به زنان هدیه کرده باشد. مساله حاکمیت زنان و قدرت سیاسی‌شان را به‌آسانی می‌توان در حرم‌سراهای عثمانی دید؛ زنان در حرم‌سراها، به‌ویژه مادر سلطان، مادر ولیعهد و همسران سلطان، به‌طور قابل توجهی در اعمال مستقیم قدرت و حاکمیت مؤثر و فعال بودند. در واقع رواج اصطلاح «سلطنت زنان» در قرون ۱۶ و ۱۷، خود می‌تواند دلیلی بر این مدعا باشد.^{۴۲} زنان در حرم‌سراها نه‌تنها برای به دنیا آوردن نوزادی که وارث حکومت امپراتوری باشد با هم رقابت می‌کردند، بلکه گاه نفوذ بسیاری بر تصمیم‌گیری‌های سلطان داشتند.

زنان و حضور در عرصه سیاست

به‌طور کلی، زنان ترکیه به‌رغم مبارزات گسترده برای کسب حقوق خود، هنوز نتوانسته‌اند در صحنه سیاست و در سطح نخبگان حکومتی این کشور وزنه سنگینی محسوب شوند و در سطح

توده‌ها نیز فعالیت آنان بیشتر منفعلانه (رای دادن، شرکت در تظاهرات، اجتماعات و غیره) است و نه فعالانه و در مقام تصمیم‌گیری. از سوی دیگر، نگاهی به تاریخچه حضور و مشارکت زنان ترکیه در عرصه سیاسی این کشور، نشان می‌دهد که زنان محبّه چه در دوران لاییک‌ها و چه در شرایط کنونی که اسلام‌گرایان به رهبری اردوغان در قدرت هستند، هرگز نتوانسته‌اند جایگاه واقعی خود را در عرصه سیاسی و مدیریت کلان کشور احراز کنند و همواره قربانی قوانین سکولار حاکم بر فضای این کشور بوده‌اند. اگرچه در اوایل قرن بیستم، با انقراض خلافت عثمانی و تأسیس جمهوری ترکیه، جامعه ترکیه به زنان اجازه شرکت در انتخابات، به‌صورت رای دادن و نیز نامزدی نمایندگی مجلس را اعطا کرد، ولی این در حالی بود که اکثریت زنان این کشور - بیش از دوسوم - که به رسم سنتی و بر اساس اعتقادات مذهبی محبّه بودند، از ورود به مجلس و حضور فعال در صحنه سیاسی محروم شدند؛ زیرا بر اساس آیین‌نامه پارلمان ترکیه، هیچ زن محبّه‌ای به‌عنوان نماینده حق حضور در پارلمان را ندارد. ممنوعیت استخدام زنان محبّه در نهادهای دولتی که از آن تاریخ آغاز شد، همچنان ادامه دارد و در دوران کنونی یعنی در زمان اقتدار حزب عدالت و توسعه نیز تغییر چندانی در این زمینه صورت نگرفته است. این حزب به رهبری اردوغان، گرچه همواره انتقادهای بسیاری را متوجه قوانین ممنوعیت حجاب کرده‌است و حتی در سال ۲۰۰۸ موفق به اجرای اصلاحیه لغو قانون ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های دولتی گردید، هنوز هم موانع و مشکلات فراوانی بر سر راه حضور فعال زنان محبّه در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی قرار دارد.

چنانچه در جدول شماره یک مشاهده می‌شود، بالاترین حد مشارکت تا قبل از انتخابات سال ۲۰۱۱ را می‌توان در انتخابات ملی سال ۱۹۳۵ دید. در این زمان که زنان برای اولین بار حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در انتخابات ملی را به دست آورده بودند و توانستند ۱۸ کرسی، برابر با ۴/۵ درصد کل کرسی‌های مجلس را تصاحب کنند، تحت تأثیر سیر فزاینده جهانی‌سازی و مذاکرات برای ورود به اتحادیه اروپا و نیز تلاش گروه‌ها و احزاب هوادار زنان، توانستند میزان حضور خود را در مجلس، مقارن با انتخابات سال ۲۰۱۱، به رقم ۷۸ نفر معادل ۱۴ درصد کل کرسی‌ها برسانند. نمودار شماره ۱ روند حضور زنان ترک در مجلس ملی این کشور را طی سال‌های مذکور نشان می‌دهد.

زنان و جنبش اصلاح طلب فتح الله گولن

جنبش فتح الله گولن همزمان با رشد جنبش‌ها و طریقت‌های دینی در ترکیه؛ یعنی در دهه ۱۹۸۰، سر برآورد. گولن خطیبی تواناست که بیشتر آموزش‌های دینی خود را نزد پدرش و همچنین در مکتب علما و روحانیون سرشناس فرا گرفته‌است. وی از آغاز فعالیت‌های تبلیغاتی دینی‌اش، به نسل جوان به‌خصوص دانش‌آموزان و دانشجویان، توجه ویژه‌ای داشت که همین امر باعث می‌شد بسیاری از آنان به جنبش وی بپیوندند و مروج اندیشه‌ها و آموزه‌های وی باشند. موضوعات و محورهای مواظ دینی گولن، از مباحثی مانند نظریه تکامل‌گرایی گرفته تا شیوه‌های جدید آموزش، اقتصاد و عدالت اجتماعی را در بر می‌گیرد.

گولن از پیروان «طریقت نوری» محسوب می‌شود. این طریقت که به «بیدیع الزمان شیخ سعید نوری» منسوب است، اعتقاد عمیقی به گسترش فعالیت‌های آموزشی برای تحول جامعه داشت. بعد از مرگ نوری، پیروان او، که فتح‌الله گولن از جمله معروف‌ترین و موفق‌ترین آنان محسوب می‌شود، تلاش کردند در مسیری که او پا گذاشته بود، قدم نهند.^{۴۳} این طریقت با دراختیار داشتن یک شبکه خصوصی تلویزیونی و یک روزنامه پرتیراژ در کنار موسسات متعدد چاپ و انتشارات، توانسته است خود را به‌عنوان یکی از نیروهای اصلی ذی‌نفوذ در صحنه سیاست داخلی ترکیه معرفی سازد. آنان در حدود ۲۰۰ باب مدرسه در خارج از کشور (از افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز گرفته تا کشورهای بالکان و اروپای شرقی) دارند و در این مدارس، تدریس به زبان محلی، ترکی و انگلیسی صورت می‌گیرد.^{۴۴}

بنیان‌گذاران جنبش گولن، همچون بنیان‌گذاران جمهوری سکولار در ترکیه، حضور زنان در عرصه عمومی و مشارکت فعالانه آنان در این عرصه را تشویق و ترویج می‌کنند و با شعار پیشرفت و تمدن، با اعمال تبعیضات جنسیتی علیه زنان به مخالفت می‌پردازند. در واقع زنان در جنبش گولن، همانند زنان در برنامه‌های آتاتورک، تنها بخش مکمل و جزئی از پروژه‌هایی هستند که با اهداف خاصی طراحی می‌شوند. سایت‌های اینترنتی، کانالی هستند که هدایتگران جنبش از آنها برای متمایز کردن خود از دیگران و تبلیغ برنامه‌های اسلامی‌شان به دنیای خارج استفاده می‌کنند. آنان در این سایت‌ها، از زنانی با مشاغل، گروه سنی، مذهب، طرز پوشش، سبک زندگی

و جهت‌گیری‌های سیاسی متفاوت و گاه متضاد، استقبال می‌کنند. این جنبش، زنان مسلمان را به ادامه تحصیل و طی مدارج بالای علمی تشویق می‌کند و اصرار دارد که مدرسه و دانشگاه را به بهای داشتن حجاب ترک نکنند و در صورت لزوم، روسری‌هایشان را بردارند.^{۴۵} آنان معتقدند که اعمال محدودیت در پوشش، رفتار، روابط زن و مرد و غیره همگی برداشتها و تفاسیری غلط از اسلام است و اسلام حقیقی، محدودیتی در این مسایل قائل نیست.^{۴۶}

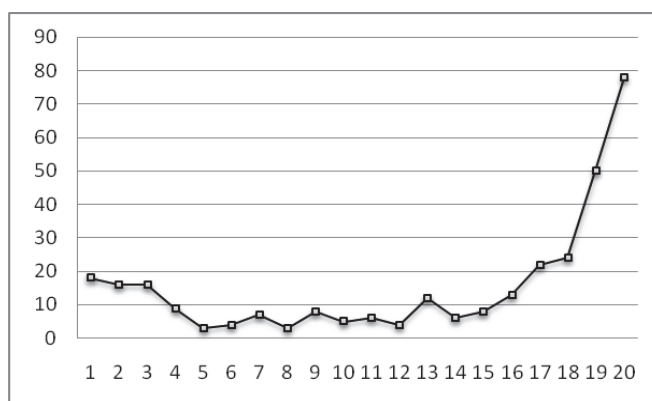
در حقیقت، امروزه حدود ۸۰ سال بعد از روند سکولاریزاسیون آتاتورک، جریان دیگری از جانب فتح‌الله گولن پدیدار شده که به‌جای اینکه حجاب را یک حق و وسیله‌ای برای بسیج و تهییج زنان مسلمان ببیند، به رواج این ایده می‌پردازد که حجاب جزو ملزومات اصلی و اولیه اسلام نیست و در اسلام پوشیدن آن اجباری نمی‌باشد. این جنبش برای اثبات ادعایش، به آیاتی از قرآن متوسل می‌شود که بیان می‌کنند مهم‌ترین اصل در اسلام اعتقاد است. در حقیقت اگرچه مصالحه جنبش گولن، حساسیت‌ها و دشمنی‌های دولت و سکولارها را تعدیل کرده، خود نیز به رواج تعبیر و تفاسیری غلط و موهوم از اسلام منجر شده‌است.

در تحلیل ماهیت و عملکرد جنبش گولن و با استناد به مدارک و شواهد موجود، می‌توان ادعا نمود که تلاش برای ایجاد اختلاف میان گروه‌ها و گرایش‌های مختلف در جوامع اسلامی مهم‌ترین و مؤثرترین ابزاری است که قدرت‌های غربی دنیای سکولار از آن به‌منظور مبارزه با اسلام و جریانات اسلام‌گرایی استفاده می‌کند. تبلیغ «پلورالیسم اسلامی» و ایجاد فرقه‌های انحرافی در کشورهای مسلمان نیز در همین راستا صورت می‌گیرد. امروزه آمریکا و اتحادیه اروپا به‌ویژه با مشاهده روند احیا و اوج‌گیری جریانات اسلام‌گرا در ترکیه، با حمایت‌های مالی و سازمانی خود این سیاست را در این کشور در پیش گرفته و تحت عنوان مبهم و اسرارآمیز «اسلام میانه» به حمایت از جریاناتی همچون «جنبش فتح‌الله گولن» پرداخته‌اند و می‌کوشند از شکل‌گیری اسلام سیاسی و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان اصول‌گرا در این کشور به طرق مختلف ممانعت به‌عمل آورند.

نتیجه‌گیری

از سال ۱۹۲۳؛ یعنی زمانی که آتاتورک با الغای خلافت و پی‌ریزی جمهوری ترکیه، به خیال خود رویای اروپایی شدن را در بستی از سکولاریسم در سر پرورد، تاکنون که پارلمان، پست ریاست جمهوری و وزرای دولت، همگی در اختیار یک حزب اسلام‌گرا قرار دارد، هیچ موضوعی در ترکیه سیاسی‌تر از مساله حجاب زنان نیست و اظهارنظر درباره هیچ مساله‌ای به اندازه حجاب به این اندازه چالش‌برانگیز نبوده و نتوانسته به این شدت آرای موافق و مخالف را برانگیزاند. در حقیقت، زنان، حقوق و دغدغه‌های مربوط به آنان همواره کانون توجه جناح‌های مختلف درگیر در پروسه جدال میان اسلام و سکولار بوده است، به نحوی که آنان هیچ‌گاه خود را بی‌نیاز از جلب نظر و حمایت زنان ندیده‌اند. از سوی دیگر، از آنجایی که اصلاحات انجام شده توسط بنیان نظام لاییک ترکیه، با ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی جامعه هم‌خوانی نداشت، کاشت و رشد نهال سکولاریسم نتوانست با موفقیت در این کشور صورت بگیرد و در میان مردم ریشه بدواند و به ثمر بنشیند. لذا اعتقاد به اسلام همچنان در وجود زنان و مردان این سرزمین باقی مانده و همواره به دنبال فرصتی است تا ظهور کرده، رشد و شکوفایی‌اش را از سر بگیرد. در این بین مبارزات و پیروزی‌های مکرر حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، امروز این فرصت تاریخی را فراهم آورده است. با این همه و به‌رغم مشکلات عدیده‌ای که بر سر راه گسترش دوباره اسلام در ترکیه وجود دارد؛ از جمله تلاش غرب برای ایجاد انحراف در اعتقادات و باورهای اصیل اسلامی و نیز مبارزات و فعالیت‌های ضد دینی گروه‌های سکولار در ترکیه، احیا و رشد دوباره اسلام و جنبش‌های اسلام‌گرا در این سرزمین می‌رود تا بار دیگر ثابت کند که مبارزه با دین و ایجاد حکومتی ضد دینی یا سکولار در جامعه‌ای که مردم آن اعتقادات و تمایلات دینی و مذهبی دیرینه‌ای دارند، همواره محکوم به شکست می‌باشد.

نمودار شماره ۱. روند حضور زنان در پارلمان ترکیه
(از سال ۱۹۳۵ تا ۲۰۱۱ میلادی)



منبع: خبرگزاری ایرنا، کد خبر ۳۰۷۸۴۵۰۷.

جدول شماره ۱. میزان حضور زنان در پارلمان ترکیه (از سال ۱۹۳۵ تا ۲۰۱۱)

سال برگزاری انتخابات ملی	کل کرسی‌ها در پارلمان	تعداد زنان در پارلمان	درصد حضور زنان در پارلمان
۱۹۳۵	۳۹۵	۱۸	۴/۵
۱۹۳۹	۴۲۹	۱۶	۳/۷
۱۹۴۳	۴۳۵	۱۶	۳/۷
۱۹۴۶	۴۶۵	۹	۱/۹
۱۹۵۰	۴۸۷	۳	۰/۶
۱۹۵۴	۵۴۱	۴	۰/۷
۱۹۵۷	۶۱۰	۷	۱/۱
۱۹۶۱	۴۵۰	۳	۰/۷
۱۹۶۵	۴۵۰	۸	۱/۸
۱۹۶۹	۴۵۰	۵	۱/۱
۱۹۷۳	۴۵۰	۶	۱/۳
۱۹۷۷	۴۵۰	۴	۰/۹
۱۹۸۳	۳۹۹	۱۲	۳/۰
۱۹۸۷	۴۵۰	۶	۱/۳
۱۹۹۱	۴۵۰	۸	۱/۸
۱۹۹۵	۵۵۰	۱۳	۲/۴
۱۹۹۹	۵۵۰	۲۲	۴/۰
۲۰۰۲	۵۵۰	۲۴	۴/۴
۲۰۰۷	۵۵۰	۵۰	۹/۱
۲۰۱۱	۵۵۰	۷۸	۱۴

Source: KSGM, Report on the status of women in Turkey, 2007.

پاورقی‌ها:

۱. امام خمینی (ره)، *صحیفه امام (نور)*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد ۱، ص ۳۷۵.
2. Caglar Keyder, "Whither the Project of Modernity? Turkey in the 1990s," in *Rethinking Modernity and National Identity in Turkey*, by S. Bozdogan and R. kasaba, University of Washington Press, p.37.
3. Dalma Bayraktar, "Crossing the Bridge: the Europeanization of Women's NGOs in Turkey, the Case of Kader and Kagider," Written under the Direction of Sophie Jacquot, Dissertation Presented for Research Master's of Political Sciences, p. 27.
4. Sirin Tekili, "Women in Turkish Politics," in Abandan- Unat (ed.), *Women in Turkish Society*, Leiden: E. J. Brill, p. 297.
5. Unat- Abadan, 1981a, Nermin, Atatürk' un Soyley ve Demecleri, 21 January 1923, pp. 147-8.
6. Deniz Kandiyoty, *Cariyeler, Bacilar, Yurttaslar*, (Concubines, sister, citizens), Istanbul: metis, 2007, p. 78.
7. Yesim Arat, "Gender and Citizenship in Turkey," in Suod Joseph (ed.), *Gender and Citizenship in Middle East*, Syracuse University Press, 2000, pp. 275- 287.
8. Unat- Abadan, 1981b, op.cit., p. 19; Tekili, op. cit, p. 299.
9. Berna Turam, "Women and Civilizing Projects: New Bonds between Islamic and Secular Men in Turkey," Paper Submitted to ASA, 2006, pp. 5-6.
۱۰. رسول افضلی، «جدال اسلام‌گرایی و لائسیسم در ترکیه»، *روزنامه بیان*، ۴ فروردین ۱۳۷۹.
۱۱. ر. ک. به: «انقلاب فرهنگی در ترکیه ۱۹۵۰-۱۹۲۰»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال هفتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹.
۱۲. علی نامور حقیقی، *پژوهشی پیرامون روند تحولات اسلام‌گرایی در ترکیه*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، ۱۳۷۹، ص ۲۵.
۱۳. محمد رومی، «رهگیری فعالیت دست‌پروردگان غرب در ترکیه»، *روزنامه جمهوری اسلامی*، ۶ خرداد، ۱۳۷۶.
۱۴. علی نامور حقیقی، پیشین، ص ۲۷.
۱۵. محمد سالار کسرابی، «اسلام‌گرایی در ترکیه»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، *سلسله مقالات خاورمیانه‌شناسی*، شماره ۱۵، تیر ۱۳۷۶، صص ۲۱-۲۰.
۱۶. حسن عبدالمنعم، «العزله امریکه الجديده»، *العالم*، العدد ۴۶، سپتامبر ۱۹۹۶.
۱۷. محمد العباسی، «استانبول یولد قللقا دولیا»، *العالم*، العدد ۵۵۱، ۱۹۹۷.
18. Ergun Ozbudun, "Turkey: How far from Consolidation?" *Journal of Democracy*, Vol.7, No. 3, 1996, p. 126.
19. Frederick W. Frey, *The Turkish Political Elite*, Cambridge: MIT Press, 1965, pp. 301-3.
20. Zehra F. Kabasakal Arat, "Political Elite Discourse on Women's Rights in Turkey," Paper Prepared for the Annual Convention of the International Studies Association, New York, February 15-18 2009, p. 11.
21. Ibid., p. 12.

22. Jacuette, "Women in Power: from Tokenism to Critical Mass," *Foreign Policy*, 108, Fall, 1997, pp. 23.
23. Zehra F. Kabasakal Arat, "Political Parties, Gender Discourse and Women's Right: the Case of Turkey," *Paper Prepared for the 49th Annual Convention of the International Studies Association*, San Francisco, March 2008, pp. 26-29.
24. Ibid., p. 12.
25. Ibid., p. 24.
26. Zehra F. Kabasakal Arat, "Political Elite Discourse on Women's Rights in Turkey," op.cit., p. 26.
27. Ibid., p. 24.
28. Ibid., p. 25.
29. Ibid.
30. Ibid., p. 21.
31. Zehra F. Kabasakal Arat, "Political Elite Discourse on Women's Rights in Turkey," op.cit., p. 285.
32. Marla Dell Collins, "To Veil or not to Veil, that Was the Question: A Feminist's Journey Through the Land of Jordan," *Women and Language*, 2003, pp. 67-73.
33. Joumanah El-Matrah, "One Man's Patriarchy Is Another Man's Inconvenience: Muslim Women Have a Proud Tradition of Activism. Why, Then, Are They so Often Misrepresented?" *Arena Magazine*, 75, 2005, pp. 8-10
34. Nilufer Gole, *The Forbidden Sacred*, Michigan: University of Michigan Press, 1996, p. 21.
35. Ibid., p. 2.
36. Berna Turam, "Turkish Women Divid by Politics: Secularist Activism Versus Islamic Non-resistance," Hampshire College, 2008, p. 21.
37. Ibid., p. 8.
38. Ibid., p. 12.
39. Ibid.
40. Ibid., p. 24.
41. Ibid., p. 26.
42. Lesile Peirce, *The Imperial Harem: Women and Sovereignty in the Ottoman Harem*, New York: Oxford University Press, 1993.
۴۳. حسین اردوش، «به بهانه صدور حکم بازداشت شیخ فتح الله گولن رهبر طریقت نوری،» روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵ مرداد ۱۳۷۹.
۴۴. محمدرضا حیدرزاده نائینی، تعامل دین و دولت در ترکیه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، صص ۱۳-۲۱۲.
45. Berna Turam, op.cit., p. 7.
46. Ibid., p. 8.